

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

روزنامه "گلوب ان میل" مورخ سیزدهم ماه مارچ ۲۰۰۹
مترجم: پیکار پامیر – تورنتو

روزنامه انگلیسی زبان Glob and mail چاپ تورنتو گزارشی را به قلم (گلوریا گالوی) از شهر قندهار در شماره مورخ سیزدهم ماه مارچ سال روان خویش منتشر نموده است که اینک، ترجمه فارسی در گزارش مذکور به مطالعه خواننده گان گرامی گورتال "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" رسا نیده میشود:

پ.پ

روستائیان بیجا شده

به استخدام طالبان در می آیند

محمد حسین ساکن پنجوائی قندهار قبلاً مصروف کشت و پرورش گندم و انگور در قریه خود بود و از این رهگذر گزاره زنده گیش را می نمود. محمد حسین میگوید:

"ما انتظار داشتیم قرار وعده هائی که به ما داده شده بود، آرامش و امنیت تأمین گردد که نگردید." وی یکسال قبل با خانم و هشت طفل خود از پنجوائی به شهر قندهار فرار کرده خانه، تاکستان، گاو، مرغ و همه چیزش را ترک گفت.

گزارش از قول محمد حسین می افزاید:

"چیز هائی را که از دست دادیم، در شهر برای ما میسر نیست، اما جنگ و بمباران در شهر وجود ندارد"

گزارش همچنان می افزاید:

"تعداد غفیری از مردم قبلاً به اثر جنگها مجبور به ترک قریه های خویش شده اند و این تعداد به خاطر نبودن امنیت، رو به افزایش میباشد. این بیجا شدن ها، موجب کمبود مواد غذایی، بروز واقعات

اجتماعی و ارتکاب جنایت ها می شود. نیز این (بیجا شدن ها) به منابع محدود غذایی و رهایی در شهر آسیب می رساند. این وضعیت به لشکر جوانان بیکار و بی زمین می افزاید ، جوانانی که راه شان را { مجبوراً } به سوی طالبان می گشایند."

خبرنگار "گلوب ان میل" از قول جواد امین ، منیجریکی از گروپ های امداد رسانی در قندهار ادامه میدهد :

"مهاجرت دسته جمعی از مناطق روستائی به سوی شهر قندهار روز به روز نسبت بر خورد های مسلحانه در آنجا رو به تزايد میباشد . هنوز معلوم نیست بیجا شده ها تا چه مدت در شهر قندهار باقی خواهند ماند و چه زمانی اوضاع به حالت عادی بر خواهد گشت تا { روستائیان } با خانواده های شان به صورت امن بر گردند."

محمد حسین گفته است :

"هنگامی که با فامیلش فرار کرد، در پنجوایی دو نوع حکومت وجود داشت ؛ از طرف روز قوای ناتو حکومت میکرد و از طرف شب طالبان حاکم بودند. فشار جنگ هر کسی را مجبور میسازد به جا های امن پناه برد، بعضی ها به سوی ارغنداب واقع در شمال قندهار رفتند و برخی هم جانب مرکز قندهار پناه آوردند. شهر هم مشکلات خودش را دارد، دزدی، اختطاف، قیمتی کرایه خانه ها و بیکاری. پسر جوانم هر روز تلاش میکند کار پیدا کند، ولی نمیتواند . . . فشار بیکاری جوانان را به سوی طالبان می کشاند. . ."

گزارش از قول جواد امین میگوید :

"مردم بیکار هستند و هیچ چاره ئی هم نه دارند. هر کسی به هر دلیلی برایشان پول بپردازد، آنها حاضر اند در برابر آن هر کاری را انجام دهند. یکی از دلایل افزایش تعداد طالبان همین موضوع میباشد . زیرا طالبان پول می پردازند و هر کس باید خانواده اش را تغذیه نماید ، دیگر راه قانونی غرض دست یابی به کار و رفع مایحتاج فامیل ها میسر نیست."

گزارش همچنان می افزاید :

"یگانه راهی که پیش روی محمد حسین قرار دارد اینست که دو باره به کار و مشغولیت بر روی زمین خویش ادامه دهد ، ولی جائیکه وی باید برگردد، همه راه های آن مین فرش شده است . تعدادی از دهقانان دو باره به آنسوی رفته و در موقع راه پیمائی کشته هم شده اند. . . غلام حضرت هم یکی از روستائیان است که قبلا در قریه "پشمل" در شهرک "زاری" به سر میبرد و دوونیم سال قبل با همسر و هفت طفل خود به قندهار پناهنده شد . وی گفته است :

"ما نمیتوانستیم در آنجا بمانیم ، زیرا هر روز در آنجا جنگ ادامه داشت ."

خبر نگار روزنامه ، طی گزارش خویش متذکر میشود :

"غلام حضرت مغازه فروش مواد تعمیراتی باز کرده ، مگر فروشات ندارد ، زیرا کسی دست به آبادی نمی زند. اگرچه در قندهار، ضرورت شدیدی برای خانه محسوس است ، اما ، اندک کسانی میتوانند خانه خریداری نمایند. در اوایل که به قندهار آمده بود، یکی از خویشاوندانش دو اتاق خود را در اختیار آنها گذاشت و مدت چهار ماه را در آنجا سپری کردند تا آنکه قادر شدند خانه ای را به اجاره بگیرند، حالا، کودکانش به مکتب می روند، مگر به خاطر امنیت و سلامتی آنها بر روی خیابانهای قندهار نگران میباشند. باز هم غلام حضرت میگوید ؛ داخل شهر به مراتب نسبت به قریه پشمل امن است و هنوز آرزو ندارم به قریه بر گردم ."

گزارشگر می نویسد که سید محمد ، مرد دیگری است که مانند غلام حضرت از پنجوایی به شهر قندهار آمده. نیروهای "نا تو" سه سال قبل به آنها دستور داد که محل (زنگآباد) را ترک دهند. محمد با خانم و نه طفلش به زیر خیمه هائی پناه بردند که در شرق قندهار به نام "کانا" ترتیب شده بود. پس از تقریباً یک سال ، قادر شدند خانه ای را به اجاره بگیرند. محمد نیز گهگاهی با قبول خطر جانی به قریه و زمین خویش بر میگردد. وی میگوید ؛ اگر به تاجکستان خویش بر نگردهد، همه چیز خشک می شود. . . تخطی و تعرض در هر لحظه وجود دارد. همین دوشنبه در نزدیکی قریه ما جنگ بود و یکی از خویشاوندان ما کشته شد . . . وقتی خانه و جای را ترک داده فرار کردیم ، کلیه اثاثیه و ملحقات خانه ما به غارت رفت . یک روز وقتی به خانه برگشتم ، طالبان در آنجا حضور داشتند. آنها به من گفتند تو جهاد نه می کنی ، همینکه ما از اشیا و اثاثیه ات استفاده میکنیم ، خود برای تو جهاد است . روز دیگر ، گروهی از سر بازان کانادائی در خانه ی ما بودند."

به اساس گزارش ، محمد گفته است :

"امروز قریه ما آرام است و طالبان در آن حاکمیت دارند. قوای "ناتو" با وعده تأمین امنیت آمده بودند، اما متأسفانه نا امنی رو به افزایش گذاشت و آنها (نیرو های نا تو) قریه را نیز از دست دادند . . ."

(پایان)